



بررسی خط به خط کتاب

دارای نمونه رایگان قبل از خرید

نکات مهم

خلاصه

بروزرسانی ۱۴۰۵

ویژه شب امتحان

موشکافی تله‌های تستی

مقدمه علم حقوق

و مطالعه در نظام حقوقی ایران

ناصر کاتوزیان - شرکت سهامی انتشار

منبع اصلی دانشجویان: دانشگاه پیام نور - کد درس ۱۲۲۳۲۱۸ و ۱۲۲۳۰۲۰ و سایر دانشگاه‌ها



مناسب برای رشته‌های //

حقوق، علوم قضایی، فقه و مبانی حقوق اسلامی



نوع فایل //

فایل میکرو طبقه‌بندی شده



نویسنده جزوه //

تیم تالیف بژیک



کیفیت //

تضمین ۱۰۰٪ مطالب

۴

ساعت مطالعه

۱۰۰٪

پوشش نکات

۳۷

صفحه مفید

فصل دوم: اوصاف قاعده حقوقی

✓ برای شناختن قواعد حقوق و تمیز آن‌ها از سایر قواعدی که بر فرد و زندگی اجتماعی او حکومت می‌کند، در مرحله نخست باید عناصری که جوهر حقوق را تشکیل می‌دهد معین شود و سپس با مقایسه قواعد حقوق با اخلاق، مذهب و عدالت، مقام آن در میان سایر نظام‌های اجتماعی روشن گردد.

مبحث اول: اوصاف و تعریف قاعده حقوقی

شمار این اوصاف

✓ برای قواعد حقوق اوصاف گوناگونی شمرده‌اند، ولی درباره اساسی بودن هیچ‌یک از آن‌ها اتفاق نظر وجود ندارد؛ این خصوصیت‌ها عبارتند از: قاعده حقوقی الزام‌آور است، رعایت آن از طرف دولت تضمین شده است، کلی و عمومی است و حقوق نظامی است اجتماعی که هدف آن تنظیم روابط است، نه پاکی روح و وجدان انسان.

الزامی بودن حقوق

✓ برای اینکه حقوق بتواند به هدف نهایی خود (استقرار نظم و عدالت) برسد باید رعایت قواعد آن اجباری باشد و اعلامیه‌هایی که همراه با هیچ تکلیفی نیست، چهره حقوقی ندارند و تنها مقدمه اوامر قانون‌گذار هستند.

✓ با این وجود، قواعد حقوقی از حیث درجه الزام یکسان نیستند و به دو دسته تقسیم می‌شوند: نخست گروهی که رعایت آن‌ها مطلقاً الزامی است و گریز از اجرای آن‌ها ممکن نیست (قواعد امری)، و دسته دوم که اشخاص تنها در صورت عدم انتخاب راه‌حل دیگر در پیمان‌های خود مکلف به اجرای آن‌ها هستند (تکمیلی یا تفسیری).

✓ هرگاه شرط اجرای قواعد تکمیلی (نبودن پیمان مخالف) محقق شود، در اجباری بودن چیزی از قواعد امری کم ندارند.

✓ الزامی بودن به تنهایی معیار تمیز حقوق نیست، زیرا اخلاق نیز ایجاد تکلیف می‌کند و پیروان مذهب در انجام وظایف خود ناگزیرند و قواعد آن با نوعی اجبار همراه است.

حقوق و ضمانت اجرا

✓ قاعده‌ای که اجرای آن از طرف دولت تضمین نشده است، نباید در شمار قواعد حقوقی آورده شود، زیرا اگر اشخاص در برابر تخلف خود مکافات نمی‌بینند، نظامی در جامعه ایجاد نمی‌شود.

دقت کنید: ضمانت اجرای پاره‌ای از قواعد مانند حقوق عمومی و روابط بین‌المللی هنوز ناقص است، اما



تکالیفی که قانون اساسی برای قوه مجریه یا مقننه تعیین کرده و تعهدات بین‌المللی دولت‌ها، حتی بدون نیروی اجبار مؤثر مادی، به دلیل ضمانت اجراهای سیاسی و خطرات حیثیتی همچنان قواعد حقوقی محسوب می‌شوند.

وسایل اجبار قواعد



✓ اجباری که با قواعد حقوق همراه است، به صورت‌های گوناگونی جلوه می‌کند:

✓ **کیفر متجاوزان:** ساده‌ترین وسیله اجبار است که مستقیماً به شخص متجاوز مربوط می‌شود، مانند اعدام، حبس، تبعید، غرامت و مصادره دارایی.

✓ **اجرای مستقیم قاعده:** گاه قاعده حقوقی به زور مستقیم قوای عمومی اجرا می‌شود، مانند اخراج غاصب از ملک به حکم دادگاه، یا بازگرداندن کودکی که خانه پدری را ترک کرده است.

✓ **بطلان اعمال حقوقی:** در پاره‌ای موارد اجبار اشخاص به صورت بطلان اعمال خلاف قانون آن‌ها انجام می‌شود، چنان‌که صلح‌نامه‌ای که به صورت سند رسمی درنیامده یا طلاق که نزد دو شاهد عادل بیان نشود، در نظر قانون اعتبار ندارد.

✓ **مسئولیت مدنی:** کسی که در اثر تجاوز به قواعد حقوقی به دیگری ضرر زده است باید آن را جبران کند، که از این راه غیرمستقیم، وسیله اجبار و اطاعت از حقوق ایجاد می‌شود.

✓ گاه جبران زیان ناشی از تجاوز به قواعد حقوقی با دو یا چند وسیله گوناگون ضمانت اجرا می‌یابد؛ به عنوان مثال دزدی که اموالی را سرقت کرده، هم باید زیان‌های مالک را جبران کند و هم مجازات سرقت را متحمل شود.

✓ توجه: این فایل رایگان نیست و منحصراً برای سایت "بژیک" با آدرس اینترنتی www.bzhik.ir تهیه و تنظیم شده است. تمام حقوق مادی و معنوی این محصول، متعلق به سایت "بژیک" می‌باشد؛ هر گونه کپی برداری و انتشار غیر قانونی آن توسط افراد سودجو، بدون اخطار قبلی، پیگرد قانونی در پی خواهد داشت؛ لذا بایستی مستقیماً از این سایت خریداری شود در غیر این صورت مسئولین راضی نمی‌باشند و حرام و حق الناس می‌باشد.

کلی بودن حقوق

💡 «کلی بودن» قواعد حقوق از صفات اساسی آن است، زیرا حقوق برای رسیدن به هدف نهایی خود نباید مقید به شخص معین باشد و تنها همین قواعد نوعی است که موضوع علم حقوق قرار می‌گیرد.

✓ مقصود از کلیت داشتن قاعده حقوقی این است که همه مردم موضوع حکم آن قرار گیرند، وضع آن مقید به فرد یا اشخاص معین نباشد و مفاد آن با یک‌بار انجام شدن از بین نرود.

✓ قانون‌گذار با در نظر داشتن وضع طبیعی حقوق، اجرای آن را موکول به انتشار در روزنامه رسمی کرده است (ماده ۱ قانون مدنی) و اصل لزوم تساوی مردم در مقابل قوانین (اصل بیستم قانون اساسی) و اصل حکومت قانون (اصل ۵۸ همان قانون) نیز مؤید این صفت است.

✓ تصمیماتی که به حکم قانون اساسی از طرف مجلس گرفته می‌شود (مانند گرفتن وام یا استخدام کارشناسان خارجی طبق اصول ۸۰ و ۸۲ قانون اساسی)، با وجود ظاهر قانونی، چون سهمی در ایجاد نظام عمومی ندارند، قاعده ماهوی حقوقی محسوب نمی‌شوند.

⚠ **نکته مهم:** با این همه، کلی بودن را نباید تنها وسیله تمیز حقوق از سایر قواعد پنداشت، زیرا هر قاعده خواه طبیعی یا اجتماعی کلی و مجرد است و این صفت اختصاص به حقوق ندارد.



حقوق نظام اجتماعی است

- ✓ هدف حقوق تنظیم روابط اجتماعی است و به نیازمندی‌های خاص، پاکی وجدان، سلامت روح و رفع نقیصه‌های بشری فردی کاری ندارد، بلکه تنها اداره زندگی اجتماعی انسان را بر عهده دارد.
- ✓ حقوق نیز گاهی به اعمال انسان و حسن نیت او توجه می‌کند، اما این توجه تنها به خاطر اثری است که این امور در اجتماع دارند؛ ساده‌ترین مفاهیم حقوقی مانند حق نام خانوادگی، تنها در فرض وجود اجتماع و روابط بین اشخاص جلوه‌گر است.

تعریف قاعده حقوقی

💡 **قاعده‌ای الزام‌آور است که، به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت، بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌شود.**

- ✓ تکلیفی که پدر و مادر نسبت به نگاهداری فرزند دارند و الزامی که شوهر درباره پرداختن نفقه زن پیدا می‌کند، جنبه حقوقی دارد و حکمی که آن را مقرر می‌دارد «قاعده حقوقی» است.

مبحث دوم: رابطه حقوق با سایر قواعد اجتماعی

گفتار نخست: حقوق و اخلاق

مفهوم اخلاق

- ✓ اخلاق مجموع قواعدی است که رعایت آن‌ها برای نیکوکاری و رسیدن به کمال لازم است و میزان تشخیص نیکی و بدی در آن، وجدان خویشتن انسان است که بی‌نیاز به دخالت دولت، محترم و اجباری می‌باشد.
- ✓ پاره‌ای از نویسندگان و جامعه‌شناسان هیچ نیک و بدی را خارج از «وجدان اجتماعی» قائل نیستند، در حالی که اخلاق نباید صرفاً دنباله‌رو اجتماع باشد، بلکه باید رهبر و راهنمای آن قرار گیرد.
- ✓ این مفهوم که واسطه میان خلق و خوی اجتماعی و اخلاق برترین است، در فلسفه حقوق «اخلاق والای اجتماعی» نامیده می‌شود که در عین رهبری، ثابت و جاودانه نیست و با نیازهای جامعه در حال تحول است.

رابطه حقوق و اخلاق

- ✓ با وجود جدایی قواعد حقوق و اخلاق در جوامع مادی، هنوز هم اخلاق باید مهم‌ترین منبع حقوق به شمار آید و قانون‌گذار ناچار است برای تأمین اجرای قانون، قواعد اخلاقی را رعایت کند تا مردم از قوانین گریزان نشوند.
- ✓ ریشه بسیاری از مقررات حقوقی کنونی (مانند لزوم وفای به عهد، ضرر نزدن به دیگران، و رد امانت) در احکام اخلاقی است که در زمره قواعد حقوقی درآمده و تضمین شده است.
- ✓ گاه دولت صریحاً احترام به اخلاق را واجب می‌شمرد؛ چنان‌که در ماده ۹۷۵ قانون مدنی اجرای قوانین خارجی و قراردادهای خصوصی برخلاف اخلاق حسنه ممنوع شده است و ماده ۱۹۱ نیز «مشروعیت جهت» را از شرایط اساسی صحت معامله قرار داده است.